

شرق

حاکم اولین نخست وزیرن تاریخ ژاپن خواهد شد

از قربانیان جنگی ژاپن است، از جمله برخی از جنایتکاران جنگی اعدام شده، بازدید می کند. بسیاری از همسایگان آسیایی ژاپن این معبد را نمادی از گذشته نظامی گری این کشور و نقطه عطفی برای حساسیت های تاریخی در چین و کره جنوبی می دانند. تاکاچی حامی بازبینی قانون اساسی صلح طلبانه پساجنگی این کشور برای به رسمیت شناختن توسعه ارتش این کشور است.

او در دوران کمپین خود اظهارات ضدمهاجرتی فراوانی ارائه کرد و گفت ژاپن باید یک «فرماندهی مرکزی» برای بازبینی مسائل مربوط به اتباع خارجی ایجاد کند چون او گردشگرانی را مقصر لگد زدن به یک گوزن مقدس در شهر نارامی دانست.

تاکاچی با چالش های بسیاری از جمله مدیریت روابط پرتنش و غیرقابل پیش بینی با ژاپن روبهرو خواهد شد. در ماه ژوئیه ژاپن توانست به یک توافق تجاری با دولت ترامپ دست پیدا کند که بر اساس آن تعرفه های کمتر از ۱۵ درصدی بر کالاهای صادراتی خود دریافت کند و در ازای آن تعهدی به سرمایه گذاری ۵۵۰ میلیارد دلاری در اقتصاد ایالات متحده بدهد؛ در حالی که دو کشور اخیراً ابهاماتی را که در توافق تجاری وجود داشت، حل کردند، به گزارش الجزیره همچنان یک مسئله قابل توجه حل نشده ای باقی مانده: جزئیات اینکه ژاپن چگونه قرار است این ۵۵۰ میلیارد دلار را در سرمایه گذاری، وام و ضمانت های بانکی اجرایی کند. تاکاچی تنها نامزد کمپین حزب خود بود که احتمال

مذاکرات دوباره درباره این توافق را مطرح کرد و گفت اگر اقدامات غیرمنصفانه ای رخ دهد، ژاپن باید با قدرت مقابل آن بایستد. یکی از اولین اقدامات تاکاچی به عنوان رهبر ژاپن میزبانی از ترامپ در اواخر این ماه خواهد بود. او در سخنرانی خود پس از پیروزی مقابل قانون گزاران حزب لیبرال دموکرات گفت: «به جای اینکه خوشحال باشم، احساس می کنم کار دشوار از همین جا آغاز می شود.»

آینده ای نه چندان روشن برای زنان

تاکاچی در استان نارا در مرکز ژاپن به دنیا آمده است. او یکی از شخصیت های غیر معمول در سیاست های سطح بالای ژاپن به شمار می رود چون او از یک خانواده برجسته سیاسی نیست. مادر تاکاچی در شهر نارا افسر پلیس بود و پدرش در صنعت مهم خودروسازی ژاپن کار می کرد. او در سال هایی که در دانشگاه درس می خواند در سبک هوی متال درام می زد و موتورسواری می کرد.

پیروزی تاکاچی در انتخابات حزب لیبرال دموکرات، خروج از سیاست های مردسالارانه ای است که سال ها بر ژاپن حاکم است. در گزارش شکاف جنسیتی جهانی در سال ۲۰۲۵ ژاپن از میان ۱۴۸ اقتصاد جهان در رتبه ۱۱۸ قرار دارد که در میان دیگر اعضای گروه هفت در پایین ترین سطح است و به ویژه در معیار توانمندسازی سیاسی بسیار ضعیف عمل می کند. به گزارش مجله تایم انتخاب تاکاچی لزوماً آینده روشنی را برای زنان ژاپنی رقم نمی زند. با اینکه



تاکاچی به عنوان شاگرد شینزو آبه و یکی از حامیان دیرینه سیاست های اقتصادی «آیفنومیکس»، خواستار هزینه های بیشتر دولت و کاهش مالیات برای مقابله با افزایش هزینه زندگی است و از تصمیم بانک ژاپن برای افزایش نرخ بهره انتقاد کرده است

تاکاچی وعده داده تا تعداد وزرای زن کابینه اش را افزایش دهد؛ حوزه ای که ژاپن نسبت به کشورهای دیگر در گروه هفت کمبود دارد، اما نظرسنجی ها نشان می دهند که مواضع محافظه کارانه اش بیشتر به سمت مردها گرایش دارد تا زنان.

تاکاچی توانست از ۳۴۱ کرسی، ۱۸۵ کرسی را از سوی نمایندگان پارلمانی حزب و اعضای کنونی به دست آورد. این رقابت همانند رقابت رهبری حزب در سال گذشته بود که تاکاچی در ابتدا پیشرو بود اما در نهایت به شیگرو ایشیبا باخت.

تاکاچی گفت: «من باور دارم که کوهی از کار پیش رویم قرار دارد و باید با همدیگر با حمایت همه از عهده آنها برآییم. با کمک همه شما، من برای تقویت حزب لیبرال تلاش خواهم کرد و آن را به یک حزب مثبت تبدیل می کنم، که اضطراب های مردم را به امید تبدیل می کند.»

جف کینگستون، استاد مطالعات آسیایی و تاریخ در دانشکده توکیو دانشگاه تمپل به تایم می گوید: «او سابقه خیلی مثبتی در مسائل جنسیتی، سیاست های حمایت از خانواده و توانمندسازی زنان ندارد. او که از راست گرایان حزب خود است، تاکیدی قوی بر ارزش های محافظه کارانه خانوادگی و اجتماعی دارد.»

طبق گزارش ها، سال گذشته ۶۸۶ هزار و ۶۱ نوزاد در ژاپن متولد شدند و کمی بیش از یک و نیم میلیون نفر از دنیا رفتند. بنابراین این امکان وجود دارد که جمعیت ژاپن به زودی سالانه یک میلیون نفر کاهش یابد. در توکیو و اوساکا به دلیل کاهش جمعیت بسیاری از مدارس محلی رو به تعطیلی رفته اند و حتی برخی از آنها دانش آموزان از سال های مختلف تحصیلی را در یک کلاس قرار داده اند؛ امری که امروزه در شهرها هم رخ می دهد. طبق گزارش روزنامه تایمز، در سال های اخیر نرخ تعطیلی مدارس به طور میانگین حدوداً ۴۵۰ مدرسه در سال بوده است. تقریباً یک سوم از جمعیت ۱۲۳ میلیونی ژاپن بالای ۶۵ سال سن دارند که آنها را به شدت به کمک های اجتماعی و بهداشتی وابسته می کند.

سیاستمداران

دولت دست نشانده در کاراکاس

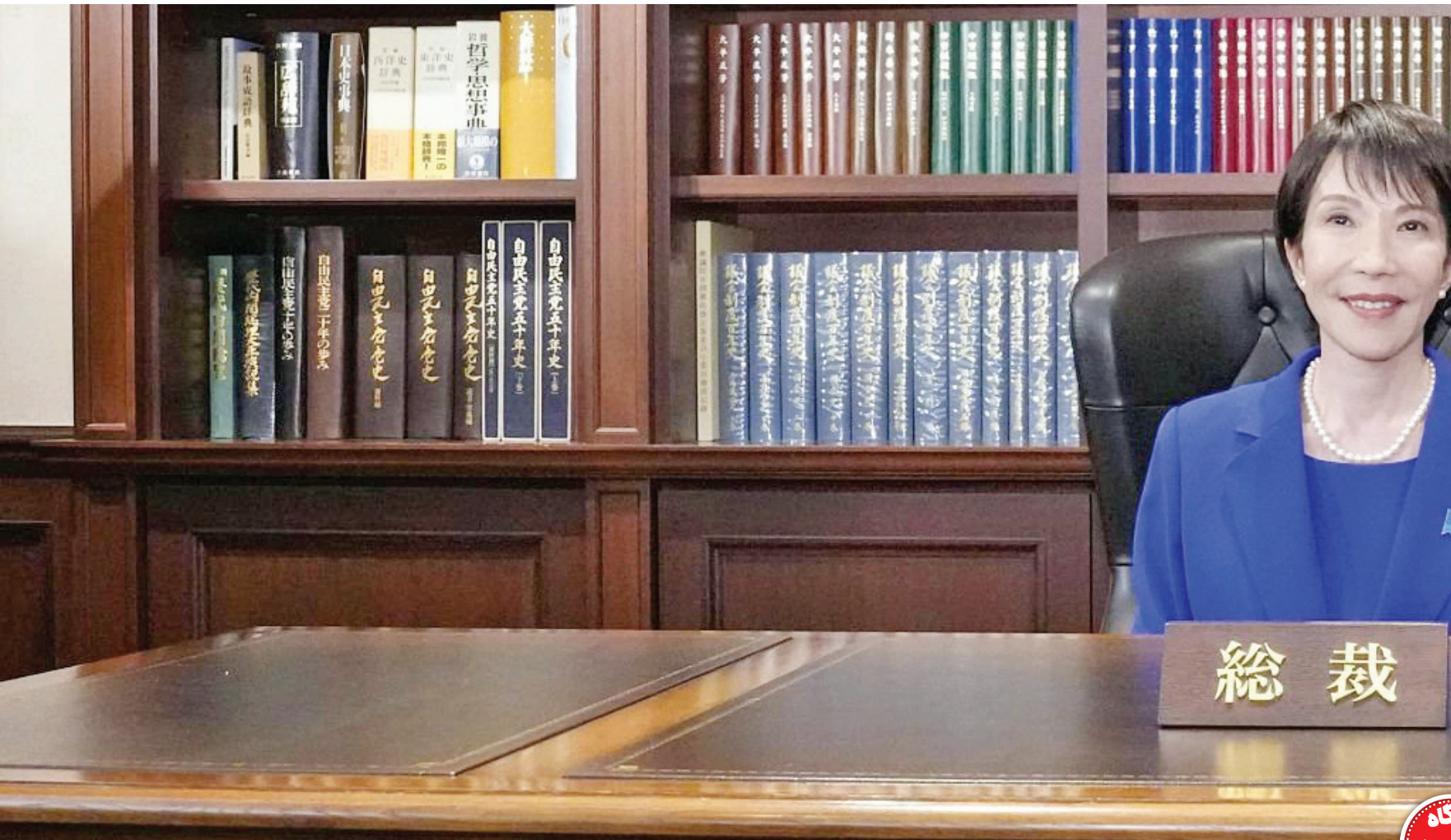
مادوروا با انتقاد از فعالیت های نظامی واشنگتن در دریای کارائیب، ایالات متحده را به برنامه ریزی برای تحمیل یک «دولت دست نشانده» در ونزوئلا متهم کرد. «نیکولاس مادورو» رئیس جمهور ونزوئلا اقدامات واشنگتن در منطقه را «تهاجم مسلحانه برای تحمیل تغییر نظام، تحمیل دولت های دست نشانده و سرقت نفت، گاز، طلا و سایر منابع طبیعی» توصیف کرد. وی در جریان سخنرانی در مراسمی در کاراکاس دستور بسیج نیروهای ذخیره و شبه نظامیان را «در صورت لزوم تغییر از نبرد غیر مسلحانه به نبرد مسلحانه» صادر کرد. رئیس جمهور ونزوئلا همچنین هشدار داد: «کاراکاس هرگز در مقابل هیچ امپراتوری، صرف نظر از قدرت یا نام آن، تحقیر نخواهد شد. در سال های آینده، به میزان مناسب، درسی اخلاقی، وجدانی و سیاسی به آن داده خواهد شد.»

کمک چین به روسیه

سرویس اطلاعات خارجی اوکراین ادعا کرد که شواهدی دال بر کمک اطلاعاتی چین به روسیه با ارائه داده های ماهواره ای به آن به منظور تسهیل حملات موشکی مسکو به اوکراین به دست آمده است. سرویس اطلاعات خارجی اوکراین روز شنبه ادعا کرد که شواهدی به دست آمده است که نشان می دهد چین داده های ماهواره ای را برای حملات موشکی به اوکراین، به ویژه علیه تأسیسات سرمایه گذاری خارجی در اختیار روسیه قرار داده است. خبرگزاری اوکراین فرم با انتشار این مطلب نوشت که «اوله الکساندروف» یکی از کارکنان سرویس اطلاعات خارجی اوکراین در گفت وگویی با این رسانه ادعا کرد: شواهدی از همکاری در سطح بالا میان روسیه و چین در عملیات اکتشاف ماهواره ای قلمرو اوکراین برای شناسایی اهداف راهبردی به منظور تخریب وجود دارد.

ادامه سر مقاله

به علاوه، نقش آمریکا و متحدانش در بازسازی غزه نیز کاملاً مبهم است. گرچه او گفته که آمریکا «غزه را بازسازی می کند» اما هیچ سازوکار مالی و اداری، امنیتی یا حقوقی مشخص نکرده است. طرح او در تعریف جایگاه «حماس» نیز ابهام دارد و مهمتر اینکه هیچ سازوکاری برای ضمانت اجرای آنچه که توافق می شود، وجود ندارد. بدون سازوکار قدرتمند نظارتی، طرح فقط روی کاغذ است. این ابهامات همگی راهبردی و کلیدی هستند. هزینه های پذیرش این طرح برای حماس و فلسطینی ها همگی نقد است که باید فوری بپردازند؛ ولی منافعش همگی احتمالی و نسبی است. پس چرا حماس آن را پذیرفت؟ یکی از مهم ترین دلایل آن پذیرش نتانیاهو است. او تحت فشار شدید داخلی و خارجی و نیز دنبال حفظ رابطه خود با ترامپ است. همچنین، ابهام های گوناگون این طرح به سود اسرائیل است و می تواند تفسیر خود را از آن داشته باشد. بنابراین، با هدف خنثی کردن فشارها به حل فوری بحران اسیرهایش نزد حماس نائل خواهد شد و بعداً از طریق تفسیرهای خودخواسته از توافق، تغییر مسیر خواهد داد. علت مهم دیگر هم، خواست مردم غزه است که آن را در شادی پس از اعلام موافقت حماس می بینیم. همچنین، حمایت های جهانی از این طرح مبهم علت دیگر ماجراست. هر کس و هر کشوری با هدف معینی وارد این فرآیند حمایتی شده است. حتی روس ها هم همین راه را آمده اند. جالب اینکه حوثی های یمن هم از تصمیم حماس غیرمشروط حمایت کرده اند. موافقت حماس بسیار دقیق و همراه با اعلام مواضع منطقی و سیاسی و نه حتی آرمانی و انقلابی خود، از نقاط ابهام طرح است؛ به طوری که توپ را در زمین طرف مقابل انداخته است. این سیاست شجاعانه و واقع گراییه ای است که بیشتر در رفتار حزب الله لبنان هم دیده بودیم. قرار نیست آخرالزمان سیاست را رقم زد. بشر تا آینده نامعلومی روی زمین زندگی می کند. مدعیان زیادی آمدند و رفتند و دنیا به پایان نرسید و ظاهراً به این زودی ها هم به پایان نخواهد رسید. راه متعارف زندگی و سیاست روزی در چارچوب معقول و احترام به مردم و خواست آنان است. فراموش نکنیم نه ما، نه ترامپ و نه هیچ کشور و ملت دیگری پایان تاریخ را رقم نمی زنیم. همچنان که آغاز آن را هم کسی رقم نزده است. همه ما ذره بسیار کوچکی از تاریخ هستیم. بعدها فقط در گوشه کوچکی از کتاب های تاریخ خواهند نوشت که چه خوش خیال بودند افرادی که فکر می کردند در لحظه تعیین سرنوشت بشریت قرار دارند و مواضع آنان تعیین می کند که بشر به کجا برود یا نرود. ما حق نداریم که زندگی مردم را در بند و اسیر ذهنیات خود کنیم. زندگی ادامه دارد.



سول ژاپن

ت نظامی در آسیا را ادامه خواهد داد

اما تا سال ۲۰۰۹، زمانی که من کتاب «صد سال آینده» را منتشر کردم، ژاپن با آکراه شروع به بازسازی ارتش خود کرده بود؛ هر چند به میزان بسیار محدودی، حتی زمانی که واشنگتن از ژاپن خواست که مانند آلمان غربی دوباره مسلح نشود. در واقع، توکیو تا جایی که ایالات متحده می توانست تحمل کند، شروع به تقویت قوای نظامی اش کرد و به موازات آن از طریق صادرات گسترده به ایالات متحده به یک قدرت اقتصادی تبدیل شد. برخی حتی از آسیبی که این امر به صنعت خودروسازی ایالات متحده وارد کرد، به عنوان «انتقام ژاپن» یاد کردند.

به عبارت دیگر، اقتصاد ژاپن در حال شکوفایی بود و یک اجماع عمومی

وجود داشت که بیزاری آن از جنگ و تخریب عمدی ارتش به این معنی بود که تجدید قوا و ظهور مجدد به عنوان یک قدرت نظامی غیر ممکن است. دیدگاه من این بود که صرف نظر از هنجارهای فرهنگی، قدرت اقتصادی ژاپن همیشه می تواند توسط واقعیت تضعیف شود. مرگ مانو در سال ۱۹۷۶ در راه روی رشد اقتصادی چین گشود. در سال ۱۹۸۹، اقتصاد ژاپن وارد دوره ای از بحران شد و تا سال ۲۰۱۰، اقتصاد چین از اقتصاد ژاپن بزرگتر شده بود. چین از نظر اندازه اقتصادی (اگر نگوییم از نظر درآمد سرانه) به اندازه ژاپن شده بود و به سرعت در حال توسعه نیروی نظامی خود بود. توکیو هزینه های نظامی را به طور متوسط افزایش داد، عمدتاً به دلیل فشار ایالات متحده. تحلیل من در آن زمان این بود که فرهنگ ژاپن دوباره در اواسط دهه به دو دلیل تغییر خواهد کرد: دلیل اول این بود که ژاپن به این نتیجه می رسید که ایالات متحده در تعهدات نظامی خود به سایر کشورها بسیار محتاط تر شده است و ژاپن به طور فزاینده ای در برابر قدرت اقتصادی و نظامی چین احساس آسیب پذیری خواهد کرد. دلیل دوم این بود که نسلی که تحقیرهای جنگ جهانی دوم را تجربه کرده بود، از بین می رفت. نظریه من در آن زمان و اکنون این است که فرهنگ و ایدئولوژی هر دو

تحت الشعاع واقعیت ژئوپلیتیکی قرار دارند و واقعیت این است که قدرت اقتصادی و نظامی چین همچنان رو به افزایش خواهد بود و با کاهش اشتباه ایالات متحده برای درگیری های خارجی، ژاپن چاره ای جز تقویت ارتش خود نخواهد داشت. در واقع، این کار از قبل شروع شده است. در حال حاضر، این کشور دهمین ارتش بزرگ جهان است و دولت ژاپن اعلام کرده است که تا سال ۲۰۲۷ بودجه نظامی خود را دو برابر خواهد کرد. این اعلام با مقاومت سیاسی یافرهنگی کمی روبهرو شد.

ژاپن به فرهنگ صلح طلبانه ای که در سال ۱۹۴۵ اتخاذ کرد، باز نخواهد گشت. رشد سیستم دفاعی ژاپن بر اساس موشک ها، پهپادها، ماهواره ها، کشتی های دریایی پیشرفته و غیره خواهد بود که توسط یک صنعت دفاعی به سرعت در حال رشد پشتیبانی می شوند. با توجه به تکامل سیاست خارجی و نظامی ایالات متحده، ژاپن چاره ای جز افزایش قدرت نظامی خود ندارد. مدل ژئوپلیتیکی اخلاقی این است که هیچ چیز بدتر از ضعیف بودن یک کشور نیست. بنابراین، من احساس راحتی می کنم که پیش بینی های من در مورد لهستان، ترکیه و ژاپن به طور معقولی دقیق هستند و هر سه به عنوان قدرت های منطقه ای بزرگ در حال ظهور هستند.